

مطالعه تطبیقی شرایط اقامه دعوی ورود ثالث در حقوق افغانستان، ایران و آمریکا

محمد مهدی کریمی نیا^۱، آصف صابری^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

واکاوای شرایط دعوی ورود ثالث و تطبیق آن با قواعد آیین دادرسی مدنی افغانستان، ایران و آمریکا مسئله اصلی این پژوهش است. دعوی ورود ثالث یکی از مصادیق دعوی طاری است که باید با دعوی اصلی «مرتبط» یا «هم منشأ» باشد تا دادگاه بتواند به آن ها یکجا رسیدگی کند. ورود ثالث شامل ورود ثالث اصلی و تبعی است. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی بر این است معیاری برای ذینفع بودن در ورود ثالث اعم از اصلی و تبعی ارائه شود تا بر اساس آن مشخص شود در چه حالتی امکان ورود شخص ثالث به صورت تبعی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اقامه دعوی، ورود ثالث، شرایط، تطبیق حقوقی، حقوق ایران، حقوق آمریکا، حقوق افغانستان.

الف) معرفی دعوای ورود ثالث

در حقوق افغانستان ورود ثالث در ماده ۲۴۰ قانون اصول محاکمات مدنی پیش‌بینی شده است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «محکمه در اثنای دوران دعوا درخواست شخص ثالث مبنی بر مطالبه حق، صلاحیت مداخله در دعوی و حضور در محاکمه را می‌پذیرد. در صورتی که مراحل قانونی حکم به پایان رسیده باشد ابلاغ حکم محکمه به طرفین دعوا از اثر این درخواست به تعویق نمی‌افتد». در ماده فوق‌الذکر، «مطالبه حق» به ورود ثالث اصلی و «صلاحیت مداخله در دعوا» به ورود ثالث تبعی اشاره دارد.

در حقوق ایران ورود ثالث در مواد ۱۳۰ الی ۱۳۴ پیش‌بینی شده است. ماده ۱۳۰ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه اینکه رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر. در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید».

در قواعد فدرال آمریکا، ورود ثالث در قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا پیش‌بینی شده است. ورود شخص ثالث دعوایی است که به موجب آن شخص ثالث در دعوای مطرح شده بین اشخاص دیگر وارد می‌شود. شخص ثالث ممکن است دارای نفع مشترک با خواهان یا خوانده باشد یا اینکه موقعیت مستقل در دعوا داشته باشد. دو نوع ورود ثالث در حقوق آمریکا پیش‌بینی شده است: ورود اجباری و ورود اختیاری. ورود اجباری به این معنا است که در صورت اقامه دعوا، دادگاه مکلف به پذیرش آن است، در مقابل دادگاه در ورود ثالث اختیاری، تکلیفی به پذیرش آن ندارد و در صورت تشخیص دادگاه به دعوای ورود رسیدگی می‌شود.

ب) شرایط ورود به دعوا

در مورد دعوای ورود ثالث یکسری شرایطی در نظر گرفته شده است که در ادامه به توضیح هر یک می‌پردازیم.

۱. حق غیرمشروط برای ورود

قسمت اول از بند «الف» قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا در خصوص ورود ثالث اجباری مقرر می‌دارد: «وقتی که قانون ایالات متحده آمریکا حق غیر مشروطی برای ورود اعطا کند ...».

طبق قسمت (الف) قاعده مذکور ورود ثالث وقتی امکان‌پذیر است که قانون فدرال آمریکا حق غیر مشروطی به شخص اعطا کرده باشد، در این حالت دادگاه مکلف به قبول دعوای ورود ثالث است.

در حقوق ایران نیز مطابق ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (مصوب ۱۳۶۳ تنها شرط برای ورود به دعوا این است که به تشخیص سازمان اوقاف و امور خیریه، ورود لازم باشد و مصلحت موقوفه ایجاب کند؛ بنابراین، در خصوص ورود سازمان اوقاف و امور خیریه، شرط ذینفع بودن یا داشتن نفع تبعی لازم نیست.

۱. ماده ۹ قانون مذکور تصریح دارد: «سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امانت یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوا را دارد،

با تفحص و تبعی که در حقوق افغانستان صورت گرفت، ماده قانونی که به این مطلب پرداخته باشد، یافت نگردید.

۲. ذینفع بودن در دعوا

دعوی وارد ثالث بر دو قسم است: یکی دعوی وارد ثالث اصلی (ثالث حق مستقلی در موضوع دعوا برای خود قایل است) و دیگری دعوی وارد ثالث تبعی (ثالث خود را در محق شدن یکی از اصحاب دعوی اصلی ذینفع می‌داند). دعوی ورود ثالث در صورتی قابل استماع است که وارد ثالث (اعم از اصلی و تبعی) در دعوا ذینفع باشد.

۱.۲. داشتن نفع مستقل

قسمت اول از بند «الف» قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا در خصوص ورود ثالث اجباری مقرر می‌دارد: «وقتی که متقاضی نفعی نسبت به مال یا قرارداد موضوع دعوا ادعا کند و او در وضعیتی قرار گیرد که فیصله دادن به دعوا در عمل ممکن است به توانایی او برای حمایت از منافعی صدمه بزند یا مانع از آن شود، مگر اینکه طرفین دعوا به نحو مناسب و کافی منافع او را بیان کنند». حالت دوم ورود ثالث اجباری، ناظر به مواردی است که شخص ثالث نفع مستقل در موضوع دعوا دارد و برای حمایت از حقوق خود مجبور به ورود در دعوا است. در این حالت نیز دادگاه مکلف است که دعوی وارد ثالث را بپذیرد، ولی در صورتی دادگاه مجبور است دعوی ورود را بپذیرد که به نحو مناسب و کافی طرفین دعوی اصلی از حقوق ثالث دفاع نکنند.

ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد ... می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد ...». ماده ۲۴۰ قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان نیز در این مورد اشعار می‌دارد: «محکمه در اثنای دوران دعوا درخواست شخص ثالث مبنی بر مطالبه حق ... را می‌پذیرد ...». اگرچه در این ماده، برخلاف قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا و ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م ایران، به شرط «ذینفع بودن» تصریح نشده است؛ اما شرط مزبور از ماده مذکور (ماده ۲۴۰) قابل استفاده می‌باشد؛ زیرا از یک سو دعوی ورود ثالث، در همین ماده پذیرفته شده است، از سوی دیگر، مقتضای منطق حقوق این است شخص در دعوی که اقامه می‌کند باید ذینفع باشد؛ بنابراین، نتیجه این خواهد شد شخصی که به عنوان وارد ثالث، وارد دعوا می‌شود باید در موضوع دعوی اصلی ذینفع باشد در غیر این صورت، حق ورود در دعوی اصلی را نخواهد داشت. براین اساس، در حقوق افغانستان نیز، همانند حقوق ایران و آمریکا، ذینفع بودن در دعوی اصلی، شرط لازم برای دعوی ورود ثالث تلقی گردیده است. به هر حال، دعوی وارد ثالث یک دعوا است؛ بنابراین، اقامه کننده دعوا باید همه شرایط اقامه دعوا را داشته باشد، از جمله این که ذینفع باشد و نفع او یک نفع ایجادشده، واقعی، شخصی و مستقیم باشد.

۲.۲. داشتن نفع تبعی

در حقوق آمریکا، به جای ورود ثالث تبعی مقررات دیگری مثل ورود اختیاری پیش‌بینی شده است که به نحوی اشخاص برای حمایت یکی از طرفین، وارد دعوا می‌شوند. «هر روز در دادگاه‌های ایالات متحده تصمیم‌های گرفته می‌شود که بر زندگی هزاران شخص تأثیر می‌گذارد، بعضی از این تصمیم‌ها فقط برای طرفین یک مرافعه مؤثر است؛ اما بعضی از آنها تعیین کننده

همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بدانند و مصلحت موقوفه ایجاب کند در دعوی مربوط وارد دعوا شده و به احکام صادره اعتراض کند».

حقوق، منافع و اصول قانونی هستند که بر زندگی همه آمریکاییان تأثیر دارد». (اداره برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی وزارت امور خارجه ایات متحده، ۲۰۰۴: ۶). از آنجایی که ممکن است تصمیمات دادگاه‌ها نسبت به حقوق دیگران مؤثر باشد، تدوین کنندگان قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال ورود ثالث را تحت شرایطی برای اشخاص که ممکن است حقوق آنها تحت تأثیر حکم صادره در آن دعوا قرار گیرد، پیش‌بینی کرده است. تفاوت عمده این نوع ورود ثالث با ورود ثالث در بند «الف» این است که دادگاه اختیار دارد که بر طبق تشخیص خود ورود ثالث به دعوا را بپذیرد یا آن را رد کند.

شاید بتوان دو مورد از ورود اختیاری را مثل نفع تبعی در حقوق ایران دانست:

الف) دادگاه می‌تواند اجازه ورود به ثالثی را بدهد که قانون فدرال حق مشروطی برای ورود داده باشد. (قسمت اول بند «ب» قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا).

ب) ورود توسط مأمور یا سازمان دولتی. دادگاه ممکن است اجازه ورود به دعوا را به مأمور یا سازمان دولتی اعطا کند اگر ادعا یا دفاع یکی از طرفین مبتنی باشد بر: ۱. دستور اجرایی یا قانونی توسط مقام یا سازمان دولتی صادر شده باشد؛ ۲. طبق دستور اجرایی یا قانونی، قانون، دستور، شرط یا توافقی صادر یا انجام شده باشد. (قسمت دوم بند «ب» قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا).

در دعوای سنتی، شخصی دعوایی علیه شخص دیگر اقامه می‌کند و آثار حکم مذکور فقط نسبت به همان اشخاص مؤثر است؛ ولی در حقوق آمریکا، به دلیل اینکه آرای صادره نسبت به بعضی از دعاوی بر حقوق اشخاص زیادی تأثیر می‌گذارد، در حقوق آمریکا دعوایی تحت عنوان دعوای حقوق عمومی به رسمیت شناخته است. «درگیری گروه‌های ذینفع در فرایند قضایی بسته به اهداف گروه خاص، به اشکال گوناگون صورت می‌گیرد. با این حال دو تاکتیک از همه برجسته‌تر است: دخالت در دعوای نمونه و ارائه اطلاعات به دادگاه از طریق تشکیل پرونده حمایتی» (اداره برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی وزارت امور خارجه ایات متحده، ۲۰۰۴: ۸۶).

در حقوق ایران، ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی ... خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد ...».

ذینفع بودن در این حالت یا برخورداری از نفع «بالقوه» است؛ مثل اینکه «در دعوای اصلی یکی از دو فروشنده نسبت به معامله انجام شده ادعای غبن کرده است، لیکن شریک مشاعی وی به عنوان وارد ثالث، وارد دعوا شده و با این توجیه که در صورت اثبات دعوا، خریدار از باب خیار تبعض صفقه معامله را نسبت به سهم او نیز فسخ خواهد کرد، خود را ذینفع در دعوای اصلی دانسته است»، (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۲ / ۸۳). یا داشتن نفع «تبعی» است؛ مثل اینکه «الف» به ادعای مالکیت ملکی علیه (ب) که متصرف ملک است و خواهان او را غاصب معرفی می‌کند به خواسته خلع ید اقامه دعوا می‌کند، (ج) که حق ارتفاقی در ملک مزبور از (ب) انتقال گرفته، خود را در محق شدن (ب) ذینفع می‌داند»، (شمس، ۱۳۸۴: ۳ / ۴۳). بنابراین، نفع «تبعی» یعنی اینکه به تبع برنده شدن یکی از طرفین دعوا، از موضوع دعوا کلاً یا جزئاً نفعی برای وارد ثالث به دست آید که در این حالت حتی طلبکاران (اگر قایل به این نظر باشیم که حق ورود ثالث دارند) نیز دارای نفع تبعی هستند. به بیان دیگر، در وارد ثالث تبعی که وارد ثالث به تبع یکی از اصحاب دعوا نفعی دارد، نفع وارد ثالث با شخصی که ثالث به نفع او وارد شده، در طول همدیگر هستند.

در حقوق افغانستان، ماده ۲۴۰ قانون اصول محاکمات مدنی اشعار می‌دارد: «محکمه در اثنای دوران دعوا درخواست شخص ثالث مبنی بر ... صلاحیت مداخله در دعوا ... را می‌پذیرد ...».

کلمه «مداخله»ی به کار رفته در این ماده، مستبطن «حضور نفع» در دعوی ورود ثالث است؛ زیرا چنانکه قبلاً اشاره شد، قانوناً کسی می‌تواند در دعوا مداخله و ورود نماید که صلاحیت آن را داشته باشد (بند ۲ ماده ۲۱ قانون اصول محاکمات مدنی)^۲

و به مقتضای منطق حقوق کسی صلاحیت اقامه دعوا را دارد که در دعوی که اقامه می‌کند ذینفع باشد. نکته دیگر اینکه نفع مستنبط از عبارت «صلاحیت مداخله»، نفع تبعی است؛ زیرا چنانکه قبلاً اشاره شد، عبارت مزبور حاکی از ورود ثالث تبعی است، همانگونه که عبارت «مطالبه حق» اشاره به ورود ثالث اصلی دارد.

نتیجه اینکه در هر سه نظام حقوقی فوق‌الذکر، شرط قابل استماع بودن دعوی وارد ثالث تبعی این است که او در حمایت از حقوق کسی که به نفع او وارد شده است، ذینفع باشد؛ مثل آنجایی که وارد ثالث از حقوق مانند حق ارتفاق یا انتفاع برخوردار است، یا مانند موردی که طلبکاران خواهان یا خواننده به حمایت از او (خواهان یا خواننده) وارد دعوا می‌شوند.

۳. مرتبط بودن با دعوی اصلی

در حقوق آمریکا، بند «ب» قاعده ۲۴ ق.آ.د.م.ف.آ در این خصوص تصریح دارد: «ورود اختیاری هر شخصی با درخواست به موقع، مجاز به ورود در دعوا است (۱) وقتی که قانون ایالات متحده آمریکا حق مشروط برای ورود اعطا کرده باشد یا (۲) وقتی که ادعا یا دفاع متقاضی و موضوع دعوا امور حکمی یا موضوعی مشترک داشته باشد ...». طبق بند مزبور، دادگاه می‌تواند اجازه ورود به ثالثی را بدهد که یا قانون فدرال حق مشروطی برای ورود داده باشد یا ادعا یا دفاعی را مطرح کند که با دعوی اصلی «امر موضوعی یا حکمی مشترک» داشته باشد. ورود اختیاری در مورد دوم مثل تعریف «منشأ» در دعوی ورود ثالث در حقوق ایران است؛ زیرا در حقوق ایران «منشأ» را به عمل یا واقعه حقوقی تعریف کرده‌اند و در ورود اختیاری نیز شرط ورود اختیاری این است که دعوی ورود با دعوی اصلی «امر موضوعی یا حکمی مشترک» داشته باشد.

در حقوق ایران نیز در این زمینه ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی ایران بیان می‌دارد: «هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشأ باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است». بنابراین، در این نظام حقوقی نیز شرط استماع دعوی وارد ثالث، همانند سایر دعاوی طاری، این است که با دعوی اصلی مرتبط یا ناشی از یک منشأ باشد.

حقوق افغانستان، شرط «مرتبط بودن با دعوی اصلی» را مطرح نکرده است؛ اما به نظر می‌رسد، وقتی که وارد ثالث در موضوع دادرسی برای خودش مدعی نفع مستقل است و ادعای نفع مستقل را در چهارچوب دعوی ورود ثالث طرح می‌کند، به دلیل اینکه اشخاص متعدد (خواهان، خواننده و وارد ثالث) هر کدام نسبت به موضوع دادرسی مدعی نفع مستقل هستند، اتخاذ تصمیم در هر کدام از دعوی اصلی و دعوی ورود ثالث در دیگری مؤثر است. طبق این تفسیر، ذینفع بودن یا همان نفع مستقل (که با استدلال در حقوق افغانستان ثابت شد) ناظر به شرط «مرتبط» یا «هم‌منشأ» بودن است.

۲. فقدان صلاحیت و اهلیت مدعی و مدعی علیه ...»: ماده ۲۱ قانون اصول محاکمات مدنی: «اعتراضات ابتدایی قرار ذیل است ...»

به نظر می‌رسد، وجود این شرط در دعوی وارد ثالث تبعی ضرورتی ندارد؛ زیرا در دعوی وارد ثالث تبعی این شرط مفروض است؛ چرا که او ادعای حق مستقلی نمی‌نماید تا بررسی شود که آیا این حق با حق مورد نزاع در دعوی اصلی مرتبط یا ناشی از یک منشأ می‌باشد یا خیر؟ از این گذشته هدف از بررسی وجود ارتباط یا وحدت منشأ این است که قاضی تصمیم به رسیدگی توأمان یا جداگانه بگیرد (ماده ۱۲۵ اصول محاکمات تجارتي افغانستان و ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران؛ مقصودپور، ۱۳۸۹: ۷۴).

اما در مورد وارد ثالث تبعی اتخاذ چنین تصمیمی منتفی است؛ زیرا به هر حال قاضی در صورت احراز ذینفع بودن وارد ثالث تبعی باید به دعوی او همراه با دعوی اصلی رسیدگی نماید و نمی‌تواند به دعوی وارد ثالث تبعی به صورت جداگانه رسیدگی کند؛ زیرا او ادعای حق مستقلی نمی‌کند تا امکان رسیدگی مستقل به دعوی او وجود داشته باشد.

۴. عدم تأخیر و ورود صدمه در صورت ورود ثالث

در قسمت آخر بند «ب» قاعده ۲۴ ق.آ.د.م.ف.آ تصریح شده است: «دادگاه در اجرای تشخیص خود بررسی خواهد کرد که آیا ورود ثالث به صورت ناروا اعلام رسمی حقوق طرفین دعوی اصلی را به تأخیر می‌اندازد یا به آن صدمه وارد می‌کند». بنابراین، یکی از شرایط پذیرش دعوی ورود ثالث اختیاری در حقوق آمریکا این است که ورود ثالث باعث تأخیر در رسیدگی به دعوی اصلی نشود یا به حقوق طرفین اصلی صدمه وارد نکند.

در حقوق ایران نیز اگر دادگاه احراز کند که دعوی ثالث به منظور تبانی و تأخیر رسیدگی، دعوی ورود ثالث را نمی‌پذیرد و به هر کدام جداگانه رسیدگی می‌کند. (ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی). بنابراین، در حقوق ایران نیز قانون‌گذار برای حمایت از حقوق خواهان و جلوگیری از تأخیر رسیدگی، حتی در فرض ذینفع بود ثالث در مال موضوع دعوی اصلی، اگر نتیجه دعوی اصلی منوط به دعوی وارد ثالث نباشد، این دو دعوا را تفکیک کرده و به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند.

در حقوق آمریکا نیز مثل حقوق ایران، دادگاه اختیار دارد که ورود اختیاری را نپذیرد، ولی از حیث آثار بین این دو تفاوت وجود دارد. در حقوق ایران، در صورتی که دادگاه به استناد ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران ورود ثالث را نپذیرد به منزله سقوط دعوی ثالث نیست، بلکه دعوی ثالث به صورت جداگانه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اگر دعوی اصلی به صدور حکم قطعی منجر شود نسبت به ثالث اعتبار امر قضاوت شده ندارد؛ ولی در حقوق آمریکا، نه تنها نپذیرفتن دعوی ورود ثالث اختیاری، مانع اقامه دعوی ثالث می‌شود، بلکه حکم راجع به دعوی اصلی نسبت به ثالثی که دعوی او مورد پذیرش قرار نگرفته، اعتبار امر قضاوت شده دارد.

حقوق افغانستان در مورد این شرط (شرط عدم تأخیر و ورود صدمه در صورت ورود ثالث) ساکت است؛ اما منطبق آیین دادرسی مدنی، حکم به لزوم رعایت شرط مزبور در این نظام حقوقی نیز می‌نماید. حال سؤال این است که آیا در عمل، حقوق افغانستان از حیث آثار با حقوق ایران هم‌نظر است یا با حقوق آمریکا؛ بدین معنا که اگر دادگاه کشورما دعوی ورود ثالث اختیاری را نپذیرفت آیا این نپذیرفتن به منزله سقوط دعوی ثالث است؟ آیا امر صادره از دادگاه نسبت به ثالث اعتبار امر قضاوت شده دارد یا خیر؟ از آنجایی که نظام حقوقی افغانستان نیز، همانند حقوق ایران، از نظام‌های رومی - ژرمنی است و با توجه به شباهت‌ها و روابط تنگاتنگ که بین این دو نظام حقوقی (افغانستان و ایران) وجود دارد، می‌توان گفت حقوق افغانستان با حقوق ایران هم‌نظر است؛ یعنی نپذیرفتن دعوی وارد ثالث به منزله سقوط آن نیست، بلکه دعوی مزبور به صورت جداگانه قابل رسیدگی خواهد بود و حکم صادره در مورد دعوی اصلی نسبت به ثالث اعتبار امر قضاوت شده نخواهد داشت.

ج) خواننده دعوای ورود ثالث

ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران در این مورد مقرر می‌دارد: «دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمایم آن باید به تعداد اصحاب دعوای اصلی به علاوه یک نسخه باشد و شرایط دادخواست اصلی را دارا خواهد بود». طبق این ماده خوانندگان دعوا، طرفین دعوای اصلی هستند. بنابراین، چنانچه قبل از اقامه دعوای ورود، اشخاص دیگری به دعوا وارد یا جلب شده باشند، مطابق ماده مذکور، لازم نیست این اشخاص به عنوان خواننده دعوا ذکر شوند و اگر وارد ثالث این اشخاص را به عنوان خواننده ذکر نکرد، دادخواست او اشکال قانونی ندارد.

بند «ج» قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا در خصوص آیین دادرسی دعوای ورود ثالث تصریح دارد: «شخص متقاضی ورود به دعوا، درخواست برای ورود را به گونه که در قاعده ۵ ق.آ.د.م.ف.آ مقرر شده، به عمل می‌آورد. در درخواست دلایل برای ورود بیان می‌شود و لایحه که بیانگر ادعا یا دفاعی که ورود برای آن اقامه می‌شود به همراه درخواست خواهد بود. وقتی که قانون ایالات متحده آمریکا نیز حق ورود را می‌دهد نیز همان آیین دادرسی دنبال می‌شود».

بنابراین، شرایط اقامه دعوای ورود مثل شرایط اقامه دعوای اصلی است. به عبارت دیگر، قاعده ۵ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا شرایط دادخواست دعوای اصلی را بیان کرده و در آن قید شده است که خواهان باید در قسمت مربوط به ذکر مشخصات خواننده، اسامی خوانندگان را ذکر کند. با توجه به اینکه بند مذکور شرایط اقامه دعوای ورود ثالث را مثل دعوای اصلی دانسته، در دعوای ورود ثالث نیز باید خوانندگان ذکر شوند.

در حقوق افغانستان، در این زمینه مقررات ناهماهنگ وجود دارند. بند ۱ ماده ۱۲ قانون اصول محاکمات مدنی مقرر می‌دارد: «استدعای حق مدنی توسط عریضه رسمی مطالبه می‌شود». از این ماده استنباط می‌گردد که در دعوای ورود ثالث تقدیم عریضه (دادخواست) لازم است؛ چرا که دعوای ورود ثالث یک نوع دعوا به شمار می‌رود و هر دعوای که در محکمه اقامه می‌گردد مستلزم تقدیم عریضه است و در عریضه یکی از چیزهای که لازم است ذکر شود، اسم خواننده یا خوانندگان می‌باشد. (ماده ۱۳ قانون اصول محاکمات مدنی). ماده ۲۲۹ همین قانون اشعار می‌دارد: «دعوای حادث طی مراتب مقدماتی را ایجاب نمی‌کند».

طبق این ماده، در دعوای ورود ثالث، تقدیم عریضه لازم نیست و در نتیجه، خواننده دعوای ورود ثالث معلوم و مشخص نخواهد شد. از آنجایی که ماده ۱۲ مطلق است، اطلاق آن توسط ماده ۲۲۹ تقیید می‌گردد؛ بدین معنا که در هر دعوایی تقدیم عریضه لازم است، جز در دعوای حادث (طاری) که در آن تقدیم عریضه لازم نخواهد بود؛ از این رو، دعوای ورود ثالث که از مصادیق دعوای حادث است نیازمند تقدیم دادخواست نیست. بنابراین، از این طریق، مادترین مذکورترین قابل جمع خواهند بود. اما این امر که خوانندگان دعوای ورود ثالث چه کسانی خواهند بود، همچنان در حاله‌ی از ابهام باقی می‌ماند و این نقصی است که متوجه حقوق افغانستان می‌باشد.

د) خواسته دعوای ورود

حقوق افغانستان در این زمینه وضاحت ندارد؛ اما به نظر می‌رسد، در دعوای ورود ثالث امکان مطرح کردن خواسته‌ای اضافه بر دعوای اصلی وجود ندارد؛ به عنوان مثال، اگر خواسته دعوای اصلی خلع ید باشد، وارد ثالث اصلی نمی‌تواند دعوای ورود را به خواسته خلع ید و قلع و قمع اقامه کند؛ زیرا دعوای ورود ثالث دعوای فرعی و تابع دعوای اصلی است و فرع نمی‌تواند بیش از اصل باشد.

در دعوی ورود ثالث اصلی سؤال این است که خواسته دعوی ورود ثالث چیست؟ آیا شخص ثالث می‌تواند خواهسته‌ای متفاوت از دعوی اصلی داشته باشد یا اینکه فقط باید نسبت به همان خواسته مطرح شده، دعوی خود را اقامه کند؟ به عنوان مثال، اگر خواهان به استناد سند رسمی مالکیت، دعوی خلع ید علیه خواننده اقامه کند، آیا وارد ثالث می‌تواند دعوی ورود را به خواسته ابطال سند رسمی خواهان و سپس خلع ید اقامه کرده یا وارد ثالث امکان اقامه چنین دعوی در چارچوب ورود ثالث ندارد و فقط باید در چارچوب دعوی مستقل و جداگانه چنین دعوی را اقامه کند؟ در پاسخ باید گفت با توجه به اینکه یکی از شرایط اقامه دعوی ورود ثالث «مرتبط بودن» با دعوی اصلی است، امکان مطرح کردن خواهسته‌ای متفاوت از دعوی اصلی وجود دارد؛ زیرا در بحث مرتبط بودن دعوی ورود ثالث با توجه به اینکه اتخاذ تصمیم در هر یک در دعوی دیگری نیز مؤثر است، این ویژگی در دعوی ورود ثالث با خواسته متفاوت از دعوی اصلی ولی مرتبط نیز وجود دارد.

در حقوق ایران نیز امکان مطرح کردن خواهسته‌ای اضافه بر دعوی اصلی (امین، ۱۳۵۳: ۳۷) و نیز خواهسته‌ای متفاوت از دعوی اصلی وجود دارد. (قهرمانی، پیشین: ۹۴ - ۹۵).

در حقوق آمریکا، شخص ثالث می‌تواند برای حمایت از حقوق خود، در دعوی ورود ثالث ادعا یا دفاع یا هر دو را بیان کند. با توجه به بند «ج» قاعده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا که تصریح دارد شرایط اقامه دعوی وارد ثالث مثل شرایط اقامه دعوی اصلی است، وارد ثالث باید در قسمت مربوط در دادخواست تقدیمی، خواهسته دعوی ورود ثالث را ذکر کند.

ه) صلاحیت

در حقوق افغانستان و ایران، دعوی ورود ثالث در صلاحیت دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را دارد. (ماده ۲۲۶ قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان و ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی ایران).

با توجه به فدرالی بودن نظام حقوقی آمریکا، قانون اساسی حیطه صلاحیت دادگاه‌های فدرال را مشخص کرده است. در همین راستا قانون قوه قضائیه و رسیدگی قضایی در مواد مختلفی از جمله مواد ۱۳۳۱، ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳، صلاحیت رسیدگی توسط دادگاه فدرال را مشخص کرده است. به عنوان مثال ماده ۱۳۳۲ مقرر کرده که رسیدگی به اختلافات بین شهروندان ایالات مختلف به شرطی که مبلغ خواهسته بیش از ۷۵ هزار دلار باشد، در صلاحیت دادگاه فدرال است، در غیر این صورت دادگاه فدرال صلاحیت رسیدگی ندارد.

طبق بند «الف» ماده ۱۳۶۷ قانون مذکور، در هر دعوی حقوقی که دادگاه‌های منطقه‌ای فدرال صلاحیت اصلی دارد، دادگاه‌های مذکور نسبت به هر ادعای مطرح شده که به گونه‌ای مربوط به دعوی اصلی باشد صلاحیت تکمیلی دارد. بیان دیگر، در صورتی که ادعای تکمیلی در محدوده دعوی اصلی باشد و دعوی اصلی قبل از ادعای تکمیلی مطرح شده باشد، دادگاه فدرال در ضمن رسیدگی به دعوی اصلی صلاحیت تکمیلی نسبت به دعوی مطرح شده جدید را دارد، ولی در بند «ب» ماده مذکور، دادگاه فدرال نسبت به ورود شخص ثالث به عنوان خواهان در صورتی که دادگاه فدرال طبق ماده ۱۳۳۲ صلاحیت نسبت به دعوی اصلی داشته باشد، صلاحیت تکمیلی ندارد. به بیان دیگر، در صورتی که دعوی اصلی به دلیل تنوع ایالاتها در صلاحیت دادگاه فدرال باشد و وارد ثالث قصد داشته باشد به عنوان خواهان دعوا به دعوا وارد شود، صلاحیت تکمیلی در این مورد وجود نداشته و وارد ثالث باید به صورت مستقل دارای این شرایط باشد.

نتیجه‌گیری

۱. در حقوق افغانستان، ورود ثالث در ماده ۲۴۰ قانون اصول محاکمات مدنی پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران، ورود ثالث در ماده ۱۳۰ الی ۱۳۴ ق.آ.د.م پیش‌بینی شده است. در حقوق آمریکا، ورود ثالث در قاعده ۲۴ ق.آ.د.م.ف.آ پیش‌بینی شده است.
۲. در حقوق افغانستان تعبیر «مطالبه حق» که در ماده ۲۴۰ به کار رفته، اشاره به ورود ثالث اصلی دارد، چنانکه عبارت «صلاحیت مداخله» حاکی از ورود ثالث تبعی است. در حقوق ایران، به صراحت، ورود ثالث به ورود ثالث اصلی و ورود ثالث تبعی تقسیم شده است. در حقوق آمریکا دو نوع ورود شخص ثالث پیش‌بینی شده است: ورود ثالث اجباری و ورود ثالث اختیاری. در ورود ثالث اجباری در صورتی که شرایط ورود فراهم باشد دادگاه باید دعوی ورود را بپذیرد، در حالی که در دعوی ورود اختیاری حتی اگر شرایط ورود وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند دعوی ورود را نپذیرد.
۳. در حقوق افغانستان و ایران، در صورتی که وارد ثالث در موضوع دادرسی برای خودش مدعی نفع مستقل است، ورود ثالث اصلی است. در حقوق آمریکا نیز، حالت دوم ورود ثالث اجباری ناظر به مواردی است که شخص ثالث نفعی در موضوع دعوا دارد و برای حمایت از حقوق خود مجبور به ورود در دعوا است.
۴. در حقوق افغانستان، ثالث می‌تواند با وجود یکی از دو شرط «مرتبط» یا «هم‌منشأ» بودن دعوی ورود با دعوی اصلی، وارد دعوا شود. (مستفاد از روح ماده ۲۴۰ قانون اصول محاکمات مدنی). همین مطلب در حقوق ایران نیز به صراحت مطرح شده است. در حالی که در حقوق آمریکا، در دعوی ورود شخص ثالث، در صورتی دادگاه مکلف است دعوی ورود ثالث را بپذیرد که طرفین دعوی اصلی از حقوق ثالث به نحو مناسب و کافی دفاع نکنند.
۵. در حقوق افغانستان، «نفع تبعی» به صراحت مطرح نشده است، ولی تلویحاً نفع مزبور از عبارت «صلاحیت مداخله» که در ماده ۲۴۰ مورد استفاده قرار گرفته، قابل استفاده است. در حقوق ایران، نفع مذکور به صراحت بیان شده است و داشتن نفع در ورود ثالث تبعی، نفع بالقوه یا نفع تبعی است. در حقوق آمریکا، به جای ورود ثالث تبعی، مقررات دیگری مثل ورود اختیاری پیش‌بینی شده است که به نحوی اشخاص برای حمایت یکی از طرفین، وارد دعوا می‌شوند.

منابع

۱. امین، حسن، ورود شخص ثالث، کانون سر دفتران، شماره ۲، صص ۳۲ - ۴۳.
۲. اداره برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده، خطوط اساسی نظام حقوقی ایالات متحده، ۲۰۰۴.
https://photos.state.gov/libraries/amgov/30145/publications-persian/us_legal_system_fa.pdf
۳. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران: دراک، ۱۳۸۴.
۴. قهرمانی، نصرالله، مباحث دشوار آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات خرسند، ۱۳۹۰.
۵. مقصودپور، رسول، دعاوی طاری و شرایط آن، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹، چ اول.